

عدالت و بهره وری

با بهبود بهره وری، استانداردهای زندگی شهروندان نیز بهبود می یابند.



در يك تعريف ساده، بهره وري عبارت است از ميزان خروجي به ازاي هر واحد از ورودی که از آن به عنوان معيار اصلي سلامت اقتصاد استفاده می شود. با اين تعريف، واضح است که هر چقدر نرخ بهره وري در حال رشد و ترقي باشد، به همان اندازه استانداردهای زندگی شهروندان افزايش خواهد يافت و برعکس، اگر بهره وري دچار رکود گردد، رفاه اجتماعي به مخاطره خواهد افتاد. به اعتقاد ويليام بامال، سو پلک من و ادوارد ولف، اساتيد دانشگاه های نيويورک و پرينستون آمريکا، شايد به جرات بتوان گفت که در بلندمت هيچ چيزي به اندازه رشد نرخ بهره وري براي سلامت و بهبودي اقتصادي جوامع مهم نباشد، زيرا هر نوع ارتقاء در وضعيت استانداردهای زندگی حتماً با افزايش نرخ بهره وري رابطه دارد.

تحقيقات نشان داده است که کاهش نرخ رشد بهره وري فقط مختص کشورهای توسعه نيافته يا در حال توسعه نيست، بلکه کشورهای صنعتي نيز گاه و بيگاه با اين مشکل مواجه می شوند که همين امر نشان می دهد يکي از دلایل نوسانات نرخ بهره وري، عوامل بين المللي بوده و عوامل داخلي چندان در اين بين دخيل نيستند. هر چند با وجود دو دهه گمانه زني و مطالعه و پژوهش فراوان، دلایل اصلي رکود نرخ بهره وري جهاني همچنان در برده ابهام باقي مانده است. البته برخي از اقتصاددانان افزايش ناگهاني بهاي نفت از سال ۱۹۷۲ به بعد را عامل نوسانات در نرخ رشد بهره وري ذکر کرده اند. در اين ميان، سه عامل کندي سرمايه گذاري، کاهش نوآوری و پايين بودن مهارت نيروي کار در يك دهه اخير، از سوي اقتصاددانان از جمله عوامل فني دخيل در نزول نرخ بهره وري اعلام شده اند.

به عقیده اقتصاددانان، تنها سه راه وجود دارد که شهروندان جوامع مختلف می توانند از طريق آنها به سطح مصرف سرانه بالاتري دست پيدا کنند. اول اينکه آنقدر کار و اشتغال وجود داشته باشد که نسبت بيشتري از جامعه به کار و فعاليت مشغول شوند. دوم اينکه، يك کشور قادر باشد از ساير کشورهای ديگر اعتبار دريافت کرده و يا دارايي های خود را به سرمايه گذاران خارجي بفروشد تا از طريق آن بر واردات کالاهای خارجي بيفزايد. و راه سوم اينکه، يك کشور بتواند از طريق سرمايه گذاري سهم بيشتري از درآمد ملي در توليد يا افزايش کارآمدي، نرخ بهره وري را افزايش دهد. حتي پاول کروگمن در کتاب "عصر افول انتظارات" گفته است که در مقايسه با مشکل نرخ رشد اندک بهره وري، ساير نگراني های بلندمت اقتصادي نظير رقابت خارجي، عقب ماندگي تکنولوژيک، ضعف زيرساخت ها و غيره، کم اهميت به شمار می روند.